

# بررسی سیاست ماهواره‌های کشورهای آسیایی: درس‌هایی برای مورد ایران

کار: دفتر مطالعات فرهنگی  
(کمیته رسانه‌ها، فرهنگ و هنر)

## چکیده

این نوشته در پی آن است با شرح ویژگی‌های عصر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و تغییرات ایجاد شده در مفهوم سیاست رسانه‌ای، وضعیت فعلی ماهواره‌ای پخش مستقیم تلویزیونی در ایران و سیاست ممنوعیت آن را نقد و بررسی کند. تجربه کشورهای آسیایی نشان می‌دهد بسیاری از این کشورها، چه آن‌ها که سیاست ممنوعیت را اعلام داشته‌اند چه سیاست آزادی را پیشه کرده‌اند، در اصل به عنوان محوری‌ترین جزء سیاست خود بهره‌وری مناسب از محتوا و کانال‌های مطلوب را مدنظر داشته‌اند. در حال حاضر، اغلب کشورهای آسیایی به نحوی از انحا از برنامه‌های کانال‌های خارجی برای جبران نقصان رسانه‌های داخلی و جلب مجدد مخاطبان به خدمات کنترل شده بهره می‌گیرند. هر چند حجم، نوع محتوا، زبان پخش، میزان و نحوه اعمال نظارت محتوایی (سانسور) و نیز تعداد و نوع

مالکیت و مدیریت سازمان‌های مربوطه و یا حتی توزیع و پخش در بین کشورهای مختلف تفاوت بسیاری دارد، اما همه این فعالیت‌ها یک هدف را پی می‌گیرد و آن اعمال کنترل ملی (مبتنی بر ملاحظات سیاسی و فرهنگی و به خصوص حساسیت‌های مذهبی، نژادی و زبانی) بر مصرف رسانه‌ای شهروندان است. چنین به نظر می‌رسد، ارائه حجم و تنوع مطلوب کانال‌های تلویزیونی به مردم عامل بسیار مهمی در موفقیت سیاست ماهواره‌ای کشورها باشد؛ خواه این سیاست موجد ممنوعیت ماهواره‌های غیرمجاز باشد یا مؤید آزادی کامل مردم در استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای. مسأله ماهواره در ایران با گذشت حدود هشت سال هنوز حل نشده است و مسئولان، سیاستمداران، احزاب و مردم به طور مکرر وضعیت فعلی را به نوعی مورد نقد قرار می‌دهند و تمایل به بهبود و اصلاح آن را مطرح می‌کنند. در واقع، علت اصلی وضعیت نابسامان موجود را باید در عدم اجرای کامل مفاد قانون «ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره» مصوب سال ۱۳۷۳ و به ویژه مواد ۴، ۵ و ۱۰ آن (بالاخص ماده ۵) جستجو کرد و نه در اصل استراتژی ممنوعیت قانونی دسترسی نامحدود به تجهیزات ماهواره‌ای، عدم بهره‌برداری از برنامه‌های مطلوب کانال‌های ماهواره‌ای برای جلب رضایت مردم و کاستن از تمایل آن‌ها به سوی آسمان پر از ماهواره و ماهواره‌های پر از مخاطره، امکان اجرایی شدن قانون ممنوعیت را به شدت تقلیل داده است.

بررسی تجارب سایر کشورهای آسیایی درس‌های بسیاری برای ایران دارد. این تجارب نشان می‌دهد که می‌توان با حفظ حساسیت‌های فرهنگی و سیاسی از برنامه‌های ماهواره‌ای موجود بهره برد. البته ویژگی‌های خاص فرهنگی و اقتصادی ایران ملاحظات بسیاری را مطرح می‌کند که به عنوان نمونه در چهار ملاحظه اثرگذار در طراحی هر روش ممکن برای بهره‌وری از ماهواره در ایران، بحث شده است.

### عصر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی

جهان از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی به تدریج وارد عصر نوینی شده است. امروزه، بر اساس اعتقاد بسیاری از دانشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، عرصه‌های زندگی اجتماعی آن‌چنان دگرگون شده که فهم و درک چستی آن با مفاهیم و نظریه‌های قدیم عملی نیست. عصر نوین معمولاً با اصطلاحات نظری جدیدی توصیف و تبیین می‌شود: جهانی شدن، عصر (انفجار) اطلاعات، عصر رسانه‌ها، جامعه اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای برخی از این مفاهیم‌اند. البته، نظریه‌پردازی‌های مربوط به چستی و چرایی جهان معاصر به این مفاهیم محدود نمی‌شوند. گذشته از این، نظریه‌های موجود از نظر نوع رویکرد، سطح تحلیل و پیش‌بینی روندهای آتی آن‌چنان تفاوت‌های ژرفی دارند که تنها وجه مشترک بین آن‌ها به کارگیری عبارات مشابه است نه برداشت‌های یکسان از آن‌ها.

با این حال، مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد یک عامل خاص در تمام نظریه‌پردازی‌های مربوط به جهان معاصر حضوری مؤثر دارد. هر چند میزان اثرگذاری آن در الگوهای متفاوت - از تک عاملی جبرگرایانه تا چند عاملی نسبیت‌گرایانه - مورد تحلیل و توجه قرار می‌گیرد. این عامل فراگیر و اثرگذار، فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی ICTs<sup>۱</sup> است که توسط شرکت‌های بزرگ بین‌المللی یا وابسته به دولت‌ها توسعه یافته و، در مدتی، بسیار کوتاه، به کالاهایی ضروری و شخصی تبدیل شده‌اند.<sup>۲</sup>

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی ICTs مجموعه وسیع و متنوعی از فناوری‌ها هستند که برای برقراری ارتباط بین انسان‌ها (ارسال و دریافت انواع پیام‌های کلامی، صوتی و تصویری) و نیز برای تولید، انتشار، نگهداری و بازیابی اطلاعات به کار می‌روند. ICTs ترکیبی از سخت‌افزار، نرم‌افزار، رسانه‌ها و حتی سیستم‌های توزیع و پخش اطلاعات و محتوا را شامل می‌شوند. این فناوری‌ها پیشینه‌ای طولانی دارند اما ظهور و رواج بسیار سریع

1. Information and Communication Technologies.

۲. در این خصوص، مثلاً نک: Williams (1987); UNESCO (1997, 1999)

کامپیوترهای شخصی، ویدئو، ماهواره‌های ارتباطی (پخش مستقیم)، اینترنت و نظایر آن‌ها در طول دو دهه گذشته موجب شد تا ICTs به عنوان عامل اصلی دنیای جدید معرفی شود. ترکیب مدارهای کامپیوتری با پایانه‌های ارتباطی به دیجیتالی و مینیاتوری شدن این فناوری‌ها انجامیده و این، به نوبه خود، باعث افزایش ظرفیت و سرعت تولید، نگهداری، بازیابی و ارسال و دریافت اطلاعات و محتوا و نیز ادغام رسانه‌های قدیمی در یکدیگر و ترکیب کانال‌های ارتباطی نوشتاری، صوتی و تصویری شده است. در شرایط کنونی، صنایع جهانی سخت‌افزار و نرم‌افزار ارتباطی و رسانه‌ای در سایه تغییر جهانی سیاست‌ها (نظیر خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی) به گسترش جغرافیایی بازارهای تولیدات خود می‌پردازند. این شرکت‌ها با اتصال دستگاه‌های ارسال و دریافت به یکدیگر، جوامع و کل جهان را به شبکه‌هایی فرامرزی و درهم تنیده از تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان تبدیل می‌کنند. در نتیجه تغییرات فوق، افراد و اجتماعات واقع در اقصی نقاط دنیا امکان دسترسی به حجم نامحدودی از اطلاعات و محتواها را به دست می‌آورند.<sup>۱</sup>

البته، نوآوری در عرصه ICTs به پایان نرسیده است و دوران معاصر هنوز در مرحله سیالیت و شدن قرار دارد. در نتیجه، احساسات انسانی (اعم از امیدواری یا یأس) در نظریه‌پردازی‌ها و سناریو سازی‌های علمی نیز حضوری اثرگذار دارند. همچون هر نوآوری بنیادین فکری یا فنی دیگر در طول تاریخ بشر، نگرش‌های جاری به ICTs را می‌توان بر روی طیفی قرار داد که از خوش‌بینی تا واقع‌گرایی و همچنین تا بدبینی نوسان دارد. برخی از نظریه‌پردازان ICTs را عامل ایجاد یک یوتوپیای دیجیتالی<sup>۲</sup> می‌دانند که در آن تمام انواع سرکوب استعدادهای انسانی و آزادی‌خواهی مجازی به تقویت دمکراسی واقعی منجر می‌شود.<sup>۳</sup> در سوی دیگر، برخی بر این باورند که این فناوری‌ها امکان نظارت و کنترل صاحبان قدرت (در سطح ملی و جهانی) بر اعمال و حتی افکار و باورهای مردم و ملت‌ها را

۱. نک: کاستلز (۱۳۸۰، ج۳)؛ مک کوایل (۱۳۸۰).

2. Digital utopia

۳. در این خصوص، به عنوان نمونه، نک: Wilhelm (2000); Dyson (1997); Negroponte (1995).

افزایش می‌دهند و کابوس جامعه وحشت و دیستوپایی<sup>۱</sup> را در قالب کامل‌ترین نظام سلطه‌گر متجلی می‌کنند.<sup>۲</sup> گروه نخست در شوق جامعه آزاد و برابر و انسان فرهیخته و متعالی‌اند و گروه دوم در بیم جامعه در بند و ناعادلانه و انسان سرگشته و نازل.

همان‌گونه که کاستلز (آ ۱۳۸۰) معتقد است، هر دو گروه خوش‌بین و بدبین در مورد قابلیت‌ها و اثرات ICTs در دام جبرگرایی فنی قرار دارند و براین باور بنیادین اصرار دارند که فناوری به تنهایی عامل و علت اصلی تغییرات به وجود آمده است. در حالی که ICTs و، به‌طور کلی، همه فناوری‌ها خود محصول نیروهای اجتماعی و جهانی‌اند و کاربرد و آثار نهایی آن‌ها با تعامل دیالکتیکی با نیروهای اجتماعی و عواملی نظیر فرهنگ، نظام حقوقی، نظام اقتصادی و ... و نیز اراده و آگاهی افراد و سازمان‌ها (و حکومت‌ها به‌عنوان گسترده‌ترین و قدرتمندترین ساختار جوامع) تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، جبر فناوری با اراده فردی و جمعی انسان‌ها کنترل، مهار و هدایت می‌شود.

در شرایط جاری، سازمان‌های متولی امور و فعالیت‌های مربوط به عرصه‌های سیاست، فرهنگ، اقتصاد و ... برای حفظ دلیل وجودی خود و توفیق در انجام وظایفشان ناچار از ایجاد تغییر در رویکردهای مرسوم و، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی متناسب با شرایط، ضرورت‌ها و واقعیت‌های نوین‌اند. آن‌چه در دوران معاصر حایز کمال اهمیت است همانا درک کامل قابلیت‌ها و شرایط عینی جامعه و جهان پیش‌رو، و تلاش برای ایجاد مطلوب‌ترین ترکیب از مزایا و مضرات جبری و محتمل مترتب بر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است. به‌عبارت دیگر، تلاش برای افزایش مزایای مورد انتظار و کاستن مخاطرات ناشی از ICTs برای افراد و کلیت جامعه (از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره) اساس و هدف سیاست‌گذاری ارتباطی و رسانه‌ای را تشکیل می‌دهد. بخش بعدی این نوشتار، به‌طور بسیار خلاصه، مفهوم سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری رسانه‌ای و پدیده‌های معاصر مرتبط با آن را به بحث می‌گذارد.

1. Dystopian

۲. مثلاً، نک: Barber, (1998)

### سیاست‌گذاری رسانه‌ای در عصر جدید

پیشرفت‌های فنی به وجود آمده در فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی باعث ایجاد امکان ارسال و دریافت پیام‌ها و محتواها از فواصل دور دست و کوچک‌تر و ساده‌تر شدن مداوم فناوری‌های دریافت و مصرف شده است. ترکیب این ویژگی‌ها با تغییرات سیاستی (نظیر خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی) در سطوح ملی و بین‌المللی یک نتیجه بسیار جدی برای سیاست‌های رسانه‌ای دولت‌های ملی و کشورها داشته است: امروزه حکومت‌ها در سیاست‌گذاری رسانه‌ای جایگاه انحصاری خود را از دست داده‌اند و ناگزیرند سیاست‌گذاری را با توجه به نقش و جایگاه بازیگران بی‌شمار داخلی و خارجی انجام دهند. سیاست رسانه‌ای و ارتباطی، بخشی از سیاست عمومی<sup>۱</sup> است که باید‌ها و نبایدها و نحوه تخصیص منابع در حوزه رسانه‌ها و ارتباطات (مالکیت، سازمان، قانونگذاری، محتوا، توزیع، دسترسی و مسائل مشابه) را هدایت می‌کند.<sup>۲</sup> اما تکثر فناوری‌های رسانه‌ای (بخشی از منابع) و بین‌المللی شدن پخش محتواهای رسانه‌ای موجب ظهور گروه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط و ذی‌نفع نوین در درون و خارج از مرزهای ملی حاکمیت‌ها شده است. این بازیگران به گونه‌ای آشکار و نهان خواهان اثرگذاری در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی هستند و در صورت نادیده گرفته شدن خواسته‌ها و منافعشان در سیاست‌های اتخاذ شده کاملاً امکان تمهید راه‌های جایگزین (خواه قانونی یا غیر آن) برای تضمین خواسته‌ها و منافع خویش را دارند. به‌طور مشخص، خواسته‌های توده‌های وسیعی از مردم در خصوص محتواهای خبری و تفریحی رسانه‌های جمعی از یک سو، و منافع اقتصادی و سیاسی سازمان‌های رسانه‌ای مستقل یا وابسته به سایر حکومت‌ها از سوی دیگر، می‌توانند در مقام تلاقی برآیند و مانند یک قیچی سیاست‌های صرفاً مبتنی بر محدودیت و ممنوعیت را غیر قابل اجرا سازند. در نتیجه، سیاست‌گذاری ملی رسانه‌ای، در مقایسه با دهه‌های گذشته، نیاز به توجه جدی‌تر به خواسته‌های رسانه‌ای مردم و گروه‌های مختلف آن‌ها دارد و، از سوی

1. Public Policy

۲. مثلاً، نک: Pristua (1993); Siune & McQuail (1986); Man Chan (1994);

دیگر، عرصه سیاست‌گذاری را باید به فعالیت‌های اقتصادی و حقوقی مرتبط در درون سازمان‌های جهانی<sup>۱</sup> توسعه دهد. تغییر نخست معمولاً با سیاست تکثر رسانه‌ای پیگیری می‌شود، در حالی که تغییر دوم مستلزم مشارکت فعالانه‌تر در عرصه سیاست‌گذاری بین‌المللی است.<sup>۲</sup> تغییر شایان توجه دیگری که در مفهوم سیاست رسانه‌ای و ارتباطی به‌وقوع پیوسته به ادغام عرصه‌ها و فناوری‌های سابقاً قابل تفکیک (ارتباطی و رسانه‌ای، اطلاعاتی، مخابراتی) در یکدیگر است. امروزه، مرز بین فناوری‌های رسانه‌ای و ارتباطات راه دور در حال محو شدن است و، در نتیجه، سیاست‌گذاری باید جامع‌نگرانه و با در نظر گرفتن عناصر سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در محیط فنی حاصل از ادغام و همگرایی سیستم‌های فناورانه متعدد انجام گیرد.<sup>۳</sup>

با توجه به تغییرات فوق، برخی از دانشمندان بر آن‌اند که در شرایط جاری سیاست عمومی و، به‌ویژه، سیاست ارتباطی و رسانه‌ای را باید به مثابه تلاش برای ایجاد تعادل معقول بین نیروهای تغییر‌گرا و نیروهای محافظت‌گرا تعریف کرد.<sup>۴</sup> این رویکرد، در درون پژوهش‌های آکادمیک در حوزه سیاست‌های ارتباطی و رسانه‌ای، سؤال‌های بسیاری را مطرح کرده که پاسخگویی به آن پیش‌نیاز اقدام عملی برای سیاست‌گذاری یا تغییر سیاست‌های جاری است. نحوه عمل برای توسعه یا ممانعت از گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، نقطه تعادل مطلوب بین بخش خصوصی و عمومی در مالکیت و اداره

۱. در خصوص سیاست‌ها و قوانین بین‌المللی ماهواره، سازمان‌های زیر نقش مهمی برعهده دارند:

اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU)؛ کمیته ماورای جو سازمان ملل (UNOSC)؛ سازمان جهانی حقوق معنوی (WIPO)؛ کنفرانس جهانی مدیریت رادیویی (WARC)؛ یونسکو؛ و سازمان ملل - اجلاس عمومی.

۲. براساس این ضرورت وزارت پست و تلگراف و تلفن و نیز سازمان صدا و سیما فعالیت‌های وسیعی در سازمان‌ها و کنفرانس‌های جهانی داشته‌اند. سازمان صدا و سیما از پاییز سال ۱۳۷۶ یک گروه مطالعات حقوقی را مسئول مطالعه حقوق بین‌الملل مربوط به پخش مستقیم ماهواره‌ای کرده‌است. تا به حال دو جلد گزارش از این گروه با عنوان *حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای و چالش‌های حقوقی پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای در نظام ملی و بین‌المللی* از سوی انتشارات سروش، (هر دو در سال ۱۳۸۰)، منتشر شده‌است.

۳. نک: Guilenburg & Slaa (1993)

۴. نک: McQuail (1994); Collins (1994); Pristua (1993)

سازمان‌ها و محتوا، میزان توجه به تکثر رسانه‌ای و محتوایی یا شیوه مناسب برای تداوم الگوهای انحصارگرایی، میزان و شیوه مناسب برای قانونگذاری یا مقررات‌زدایی و امثال این‌ها از جمله پرسش‌های پایه‌ای حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌ای و ارتباطی است.<sup>۱</sup>

این پرسش‌ها در درون مباحث عمیق و گسترده‌تر نظری و عملی مطرح می‌شوند و پاسخگویی به آن‌ها نیز باید با توجه به این مباحث ارائه شود. این مباحث را معمولاً در دو قطب متضاد زیر نمایش می‌دهند:

الف) این پرسش که تغییر فرهنگی و سیاسی یا از رسانه‌ها آغاز می‌شود و یا از خود جامعه، به دو دسته نظریه متفاوت رسانه - محور و جامعه - محور منجر می‌شود. نظریات رسانه - محور خود فناوری یا حتی محتوای رسانه‌ها را عامل اصلی تغییر می‌دانند و حتی، در مواردی، تا آن‌جا پیش می‌روند که آزادیخواهی سیاسی، فردگرایی ناسیونالیسم و افول ایدئولوژی را نتیجه و تابع ظهور و رواج رسانه‌هایی (نظیر مطبوعات و سپس رسانه‌های الکترونیکی و دیجیتال) معرفی می‌کنند. در سوی دیگر، نظریات جامعه - محور فناوری‌ها و محتوای آن‌ها را برآیند تغییرات سیاسی و معرفتی جوامع و تنها عامل گسترش بیش‌تر تغییرات می‌دانند. به عبارت دیگر، نظریات رسانه - محور جامعه (افراد و نیز فرهنگ و سیاست) را مقهور قدرت بلامنازع رسانه‌ها، و نظریات جامعه - محور رسانه‌ها را محصول و تابع فرهنگ و ساختارهای اقتصادی - سیاسی غالب یا، در هر حال، موجود در جامعه بشری می‌دانند.

ب) پرسش دوم، که ماهیتی بیشتر ایدئولوژیک دارد، به رویکرد تکثرگرا یا سلطه‌گرا در مورد رسانه‌ها مربوط است. این تقابل ریشه در این اصل دارد که رسانه‌ها می‌توانند عاملی وحدت‌گرا یا تکثرگرا باشند و، از این رو، فلسفه اجتماعی مبتنی بر هژمونی و سلطه متمرکز اشکال مختلف سیاست رسانه‌ای وحدت‌گرایانه و فلسفه اجتماعی مبتنی بر فردگرایی و تکثرگرایی فرهنگی و ساختاری، الگوهای گوناگون سیاست ارتباطی تکثرگرا را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهند. افزون بر دو قطب متضاد فوق (رسانه - محور در برابر جامعه - محور

۱. نک: Man Chan (1994) ; Humphreys (1996)



و تکثرگرا در برابر سلطه‌گرا)، تقابلهایی دیگر نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، برخی به تضاد رویکرد مبتنی بر مرکزگرایی در برابر مرکزگریزی و نیز رویکرد مبتنی بر فرهنگ‌گرایی در مقابل علمی اشاره کرده‌اند.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که از تقابلهای نظری و سیاستی فوق برمی‌آید، اصول راهنمای سیاست‌گذاری از مبانی فلسفی، علمی و نیز ایدئولوژیک و هنجاری اخذ می‌شوند و، از این رو، در زمان و مکان‌های متفاوت، سیاست‌های مختلفی در قبال یک پدیده اتخاذ می‌شوند. این ویژگی باعث می‌شود تا برخی از محققان، سیاست‌های رسانه‌ای و ارتباطی را آیینۀ روند تغییرات فنی و یا تحولات در نوع رویکرد و رجحان سیاست‌گذاران تلقی کنند. مباحث مطرح شده به هیچ‌وجه به این معنا نیستند که، در شرایط نوین رسانه‌ای، رجحان‌ها، ارزش‌ها یا هنجارهای مورد تأکید سیاست‌گذاران به دلیل تغییر شرایط فنی و جهانی در سیاست‌گذاری‌ها دخالت داده نشوند. قطعاً ارزش‌های ناظر بر نگرش‌ها و رفتارهای افراد و نیز حاکمی از عدالت و برابری، آزادی، حاکمیت ملی و نظایر آن‌ها جزء پایه‌های تشکیل‌دهنده حیات جمعی و، در نتیجه، از مبانی مشروعیت ساختارهای قدرت و سیاست‌گذارانه به شمار می‌آیند و نمی‌توان و نباید آن‌ها را نادیده گرفت، زیرا این مباحث مؤید آن است که سیاست‌گذاری رسانه‌ای و ارتباطی باید بر پایه شناخت واقعیت پیچیده شرایط فنی ICTs و جهان معاصر و ترکیب منطقی از مجموعه شناخت‌های علمی (در خصوص نقش اثرگذار رسانه‌های جمعی در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) و رجحان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای تعریف و دارای نقش و اولویت مشخص انجام گیرد. کم‌ترین خسران ناشی از عدم توجه به اصل فوق آن خواهد بود که سیاستی یک‌بعدی، تک رویکردی، و کوتاه برد اتخاذ شود و، در نتیجه، بسیاری از حوزه‌های نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نادیده گرفته شوند و، پس از مدتی کوتاه، هیچ‌گونه وفاق وحدت‌آفرین بین سطوح مختلف سیاست‌گذاری یا حتی مردم تابع سیاست‌ها قابل تشخیص نباشد. اجازه دهید، پس از این

بحث مختصر در خصوص سیاست گذاری رسانه‌ای، نگاهی کوتاه به تاریخچه پدیده ماهواره پخش مستقیم و تغییرات سیاسی در سایر کشورها در برابر آن بیفکنیم.

### ماهواره پخش مستقیم (DBS): تاریخچه و سیاست های ملی

تاریخ ماهواره‌ها را به مقاله آرتور. سی. کلارک - علمی نویسنده مشهور - نسبت می‌دهند که در مقاله‌ای در اکتبر ۱۹۴۵ اظهار داشت که با سه ماهواره واقع در فاصله ۳۶,۰۰۰ کیلومتری زمین می‌توان تمام سطح زمین را تحت پوشش امواج آن قرار داد. البته، پیش از او، دانشمندان آلمان هیتلری پژوهش‌های فراوانی را در این خصوص انجام داده بودند و مهاجرت این افراد به آمریکا و شوروی سابق به انتقال سریع تجارب و اسناد تحقیقاتی و رشد صنایع ماهواره‌ای این دو کشور رقیب شد. این دو کشور، با هدف بهره‌برداری نظامی به رقابت با یکدیگر پرداختند و، به تدریج، ماهواره‌های هواشناسی، مطالعه جو و سطح زمین و دریاها، ناوبری هوایی و دریایی و نظایر آن‌ها را در مدار زمین قرار دادند. نخستین ایده مربوط به استفاده از ماهواره‌های مخابراتی در اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی ابراز شد و، از اوایل دهه ۱۹۶۰، به تدریج ماهواره‌های مخابراتی نیز در مدار زمین قرار گرفتند.<sup>۱</sup>

در طول دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، عمده‌ترین کاربرد ماهواره‌های مخابراتی عبارت بودند از انتقال مکالمات تلفنی و تصاویر تلویزیونی از یک ایستگاه زمینی به ایستگاه زمینی دیگر (این ماهواره‌های نقطه به نقطه را FSS می‌نامیدند). نکته مهم در این دهه‌ها آن بود که تقریباً تمام فعالیت‌های مخابراتی و تلویزیونی ماهواره‌ای در وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های دولتی صورت می‌پذیرفتند و، در نتیجه، اعمال حاکمیت و کنترل ملی بر محتوا با کنترل ایستگاه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌ای محقق می‌شد.

در طول این دوران، تولید و ارسال ماهواره‌ها به مدار زمین صنعت پرهزینه اما سودآوری بود و، در نتیجه، رقابت شدید بین کشورها و صنایع بزرگ جهانی و نیز رقابت با فناوری‌های توزیعی دیگر (به‌ویژه کابل نوری) باعث رشد سریع فناوری ماهواره‌ای شد. این

۱. مثلاً نک: Slack (2001)

فناوری‌ها، در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، کوشیدند تا ظرفیت انتقال محتوا و قدرت پخش خود را افزایش دهند و از محدوده فرکانس وسیع‌تری که قبلاً بدون استفاده بود، بهره‌گیرند.<sup>۱</sup> همچنین، تلاش برای افزایش کارایی ماهواره‌ها باعث توجه جدی سرمایه‌گذاران به قابلیت‌های حاصل از قرارداد ماهواره‌ها در مدارهای پایین‌تر شد و، در نتیجه، چندین برنامه وسیع جهانی برای استفاده از ماهواره‌های پایین مدار<sup>۲</sup> و میانه‌مدار<sup>۳</sup> در سال‌های اخیر راه‌اندازی گردیده‌اند یا در سال‌های آتی به بهره‌برداری خواهند رسید.

نخستین ماهواره مخابراتی که در مدار همزمان زمین (GES) قرار گرفت ماهواره آنیک ۱-آ<sup>۴</sup> کانادا در سال ۱۹۷۲ بود که توسط اتحادیه رادیو - تلویزیون این کشور (CBC) در مدار زمین قرار گرفت و از آن برای اتصال ایستگاه‌های FSS و نه پخش مستقیم برای گیرندگان استفاده می‌شد. اولین ماهواره پخش مستقیم برای گیرندگان در سال ۱۹۷۶ به نام هرمس<sup>۵</sup> در همین کشور به کار گرفته شد.<sup>۶</sup> نخستین ماهواره پخش مستقیم تلویزیونی (DBS) آسیا در سال ۱۹۸۴ در کشور ژاپن با نام یوری ۲-آ<sup>۷</sup> به فضا پرتاب شد که سرریز امواج آن به جزایر کشورهای همسایه مسأله‌ساز شد. اما تبدیل شدن پخش مستقیم ماهواره‌ای به یک مسأله مهم جهانی با پرتاب ماهواره ASTRA در دسامبر ۱۹۸۸ و آغاز فعالیت آن در فوریه ۱۹۸۹ مصادف شد. در قاره آسیا، این پدیده با پرتاب ماهواره آسیاست<sup>۸</sup> در آوریل ۱۹۹۰ و شروع پخش مستقیم تلویزیونی توسط شرکت هنگ‌کنگ استار تی وی<sup>۹</sup>، از طریق آن ماهواره در اکتبر ۱۹۹۱، به طور جدی طرح شد.<sup>۱۰</sup> دریافت کانال‌های تلویزیونی این ماهواره در مناطق حاشیه‌ای (مثلاً در ایران) تنها با بشقاب‌هایی به

۱. مثلاً نک: Johnson-Freese(2001); Slack (2001)

2. Low Earth Orbit = LEO  
3. Medium Earth Orbit = MEO  
4. Anik A-1  
5. Hermes

۶. نک: Collins (1990).

7. Yuri-2A  
8. Asia Sat 1  
9. STAR TV

۱۰. نک: Man Chan (1994)

قطر سه متر عملی بود. اما، با تقویت امواج، در سال ۱۹۹۳، بشقاب‌های به قطر ۱/۸ متر تصویر واضحی را دریافت می‌کردند. افزایش قدرت پخش ماهواره‌ها به کاهش فزاینده‌اندازه و قطر بشقاب‌ها منجر شد و همزمان نیز قیمت دستگاه‌های رسیور (به دلیل تولید انبوه) کاهش یافت. نتیجه این تغییرات بالا رفتن مطلوبیت ماهواره برای مصرف‌کنندگان در کل دنیا و از جمله ایران بود.

در هر حال، امروزه فشار ناشی از تقاضا برای خدمات متنوع و بهتر ماهواره‌ای (نظیر ارائه اینترنت با کیفیت باند وسیع، ارتباطات صوتی و تصویری بین فردی و پخش رادیو - تلویزیونی) و گسترش روزافزون بازار و، در نتیجه، سودآوری قابل توجه، صنایع ماهواره‌ای را به سرمایه‌گذاری و توجه جدی در امر تحقیق و توسعه رهنمون شده است. در نتیجه، علی‌رغم شکست برخی از برنامه‌های ماهواره‌ای در واپسین سال‌های قرن بیستم، بسیاری از متخصصان و دانشمندان بر این باورند که ماهواره‌های ارتباطی و مخابراتی در آینده شاهد نوآوری‌های جدید خواهد بود و، از این رو، نقش و حضور گسترده‌تری در عرصه ارتباطات فردی و جمعی جهانی خواهند داشت.<sup>۱</sup> سرعت رشد فناوری ماهواره‌ای به حدی است که سیاست‌گذاری ملی و بین‌المللی، بر پایه نظر برخی از متخصصان، مانع اصلی به‌کارگیری قابلیت‌های فنی فعلی است. به عبارت دیگر، حتی در حال حاضر، امکانات فنی ماهواره‌ها بسیار بیش‌تر از میزان عملی شدن کنونی آن است و علت اصلی توقف نسبی برنامه‌های نوین را باید در ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های ناشی از سیاست‌های ملی و بین‌المللی جستجو کرد تا در امکانات فنی و سرمایه در دسترس.<sup>۲</sup>

در هر حال، پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره‌ها در طول ده سال گذشته به عنوان یک مسأله جهانی مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفته است و، در این میان، کشورهای دارای حساسیت‌ها و ملاحظات فرهنگی (به‌ویژه از منظر ارزش‌های سنتی، ملی و یا مذهبی) و سیاسی توجه بیش‌تری را به آن مبذول داشته‌اند. پیامدهای

۱. نک: Nicholson (2001)

۲. نک: Johnson-Freese(2001); Slack (2001)

فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی مورد انتظار طیف وسیعی از سیاست‌ها را در کشورهای آسیایی (به‌ویژه کشورهای اسلامی) به‌وجود آورد.<sup>۱</sup> این سیاست‌ها از پذیرش مطلق تا طرد کامل را شامل می‌شدند. یک تحقیق در سال ۱۳۷۳، کشورهای آسیایی را براساس سیاست‌های ماهواره‌ای آن‌ها به شش گروه تقسیم کرد:

۱. کشورهایی که ماهواره را مجاز دانستند و حتی تسهیلاتی را برای مردم فراهم کردند؛ مانند سنگاپور، هنگ‌کنگ، اسرائیل و کویت.
  ۲. کشورهایی که مانع حقوقی به‌وجود نیاموردند اما، همزمان با وضع مالیات و عوارض برای نصب بشقاب‌های ماهواره‌ای، به اقدام‌های رقابتی نیز دست زدند؛ مانند پاکستان.
  ۳. کشورهایی که ماهواره را مجاز دانستند اما به جستجو و اعمال برنامه‌های رقابتی دست زدند؛ مانند هند، اندونزی، کره جنوبی و سریلانکا.
  ۴. کشورهایی که ممنوعیت‌های قانونی ایجاد کردند اما به راه‌حل‌های رقابتی نیز دست زدند؛ مانند عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و مالزی.
  ۵. کشورهایی که با پشتوانه امکانات غنی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود ممنوعیت‌های قانونی ایجاد کردند؛ مانند ژاپن.
  ۶. کشورهایی که تا زمان تحقیق هنوز تصمیم رسمی و قانونی مشخصی را اعلام نکرده بودند و، در نتیجه، اقدام اساسی برای رقابت نیز نداشتند.<sup>۲</sup>
- تحقیقات نشان می‌دهند که سیاست ماهواره‌ای کشورهای آسیایی غالباً در یک مدت بسیار کوتاه بین ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ (۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵) دستخوش تغییرات بسیاری شد. این تغییرات معمولاً حاکی از حرکتی سیاستی از سوی افراطی طیف پذیرش مطلق / طرد کامل به سوی نقاط بینابینی بود. در طول این سال‌ها، بسیاری از کشورهایی که ماهواره را ممنوع دانسته بودند به جستجوی راه‌های مناسب برای ارائه برنامه‌های جذاب تلویزیونی (داخلی یا خارجی) به شهروندان خود از طریق راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی زمینی یا

۱. نک: Kathigesu (1994); Man Chan (1994)

۲. محسنیان‌راد (۱۳۷۳) صص ۳۵-۲۲.

ماهواره‌ای پرداختند. کشورهایی نیز که ماهواره را (به‌طور مطلق یا با وضع مالیات و عوارض) آزاد دانسته بودند به تدریج وارد رقابت شدند و با هدف اقتصادی یا فرهنگی و سیاسی به جذب وقت شهروندان خویش و، در نتیجه، دور کردن آن‌ها از کانال‌ها و شرکت‌های رقیب دست زدند. به عبارت دیگر، سیاست ماهواره‌ای مبتنی بر «آزادی قانونی» یا «ممنوعیت قانونی» در اغلب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه (و در سطح آسیا و حتی کشورهای اسلامی) به چشم یک سیاست کامل و مطلق نگریسته نشده و تلاش برای جذب وقت و توجه مردم کشور به شیوه‌های مختلف انجام گرفته است.

در حال حاضر، کشورهای نظیر ترکیه، اندونزی، مالزی، پاکستان، هند، سریلانکا، ژاپن، چین و اغلب کشورهای عرب زبان با بهره‌گیری از سیستم‌های مختلف (برحسب منبع تأمین محتوا، میزان اعمال تغییر در محتوا، مالکیت و مدیریت سازمان‌های مربوطه، پخش زمینی یا ماهواره‌ای و...) از کانال‌های ماهواره‌ای موجود برای تأمین خواسته‌ها و نیازهای مخاطبان داخلی خود بهره می‌گیرند. برخی از کشورها نیز هدف فوق را با اجرای برنامه‌های مشترک پیگیری می‌کنند. مثلاً در کشورهای عرب زبان چند شرکت بین‌الدولی یا خصوصی (نظیر عرب‌ست، شبکه الجزیره، MBC، ANN و ...) وظیفه تهیه برنامه‌ها از منابع داخلی یا جهانی برای پخش ماهواره‌ای به کشورهای تحت پوشش خود را به عهده گرفته‌اند. با این توضیح کلی، بهتر است به بررسی وضعیت بهره‌وری از فناوری ماهواره‌ای در چند کشور آسیایی پردازیم و سپس، درس‌های احتمالی حاصل از تجارب این کشورها برای ایران را به بحث بگذاریم.

### وضعیت فعلی ماهواره در کشورهای آسیایی

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، اغلب کشورها از اواسط دهه ۱۳۷۰ برنامه‌هایی را برای بهره‌وری ملی از ماهواره به اجرا گذاشته‌اند - خواه این کشورها دریافت سایر کانال‌ها را ممنوع کرده یا به انتخاب شهروندان واگذار کرده باشند. اما بهتر است در ابتدا انواع بهره‌وری از ماهواره را مشخص کنیم. در دهه اول می‌توان سه نوع بهره‌وری ملی از ماهواره

را نشان داد. الف) استفاده از ماهواره برای پخش مستقیم برنامه‌های کانال‌های تلویزیونی ملی به درون کشور. این اقدام برای فایز آمدن بر موانع طبیعی گسترش پوشش شبکه‌های تلویزیونی ملی به نقاط دور دست و کم جمعیت یا بالا بردن کیفیت دریافت برنامه‌ها توسط بسیاری از کشورها (نظیر هند و استرالیا صورت گرفته است؛ ب) استفاده از ماهواره برای پخش مستقیم برنامه‌های کانال‌های تلویزیونی ملی یا کانال‌های جدیدالتأسیس و پخش برای سایر کشورها. معمولاً پخش ماهواره‌ای تلویزیونی برای سایر کشورها به منظور حضور جهانی فرهنگ کشور مبدأ، اطلاع‌رسانی جهانی و تأثیر بر افکار عمومی کشورهای مقصد یا به‌ویژه با هدف ارائه برنامه‌های تلویزیونی به جمعیت‌های مهاجر به کشورهای دیگر انجام می‌گیرد. پخش ماهواره‌ای شبکه خبر، شبکه‌های جام جم و شبکه‌های سحر ایران به منطقه خاورمیانه، اروپا و آمریکا را می‌توان در این طبقه جای داد. امروزه، تعداد بسیار زیادی از کانال‌های در دسترس را همین نوع کانال‌های تلویزیونی تشکیل می‌دهند.

بدیهی است که دو نوع بهره‌وری فوق نمی‌توانند تأثیر چندانی بر میزان گرایش مردم به کانال‌های ماهواره‌ای خارجی و رواج غیرقانونی و کنترل نشده دستگاه‌های گیرنده داشته باشند. آنچه در این نوشتار به عنوان بهره‌وری ملی مطرح می‌شود نوع سوم است که مشتمل است بر: ج) استفاده از برنامه‌های کانال‌های ماهواره‌ای خارجی (ملی یا خصوصی؛ متعلق به کشور خاص یا جهانی) برای بالا بردن حجم، تنوع و کیفیت کانال‌های در دسترس مردم کشور. هدف از این نوع بهره‌وری از ماهواره را می‌توان جبران نقصان‌های کمی و کیفی تولیدات و محتوای کانال‌های تلویزیونی مرسوم و جلب توجه مخاطبان به کانال‌های کنترل شده دانست که خود برای جلوگیری از گرایش مردم به خرید و نصب تجهیزات دریافت ماهواره‌ای و، در نتیجه، قرار گرفتن در معرض پیام‌های مخرب فرهنگی و سیاسی کانال‌های نامطلوب صورت می‌گیرد. تنها با نیل به این هدف می‌توان به اجرایی شدن سیاست ممنوعیت تجهیزات و کانال‌های کنترل نشده امیدوار بود یا حتی، در صورت آزادی مردم در بهره‌وری از تجهیزات دریافت ماهواره‌ای، تا اندازه زیادی اطمینان داشت که دست کم

اکثریت مردم به کانال‌های تلویزیونی و فرهنگ ملی خویش وفادار می‌مانند و جذب پخش کننده‌های خارجی نخواهند شد.

در ادامه، وضعیت بهره‌وری از ماهواره در چند کشور آسیایی و مدل‌های خاص هر یک تشریح می‌شود. گفتنی است که محدودیت اطلاعات و منابع، امکان تشریح و تحلیل دقیق‌تر این مدل‌ها را فراهم نمی‌کند.<sup>۱</sup>

در پاکستان، کانال NTM با عقد قراردادی با تلویزیون این کشور (در سال ۱۹۹۴) به مدت ده سال یک کانال ۲۴ ساعته را راه‌اندازی کرده است و برنامه‌های کانال‌های CNN و BBC را پس از حذف صفحه‌های نامناسب پخش می‌کند. شبکه خصوصی ETV نیز روزانه ۶ ساعت برنامه پخش می‌کند و این شبکه صددرصد خصوصی و متعلق به اتباع پاکستانی است که با سرمایه‌ای حدود ۶/۵ میلیون دلار راه‌اندازی شده است و برنامه‌هایش را از سنگاپور به‌طور همزمان در ماهواره‌های آسیاست و استارپلاس ارائه می‌کند. هر چند در پاکستان محدودیتی برای خرید و نصب دستگاه‌های ماهواره‌ای وجود ندارد و برنامه‌های این شبکه‌ها تحت سانسور و کنترل قرار دارد، راه‌اندازی شبکه‌های فوق و به‌ویژه NTM گرایش به خرید گیرنده‌های ماهواره‌ای را به شدت کاهش داده است.

در ترکیه، با وجود صدها شبکه تلویزیونی سراسری و منطقه‌ای (دولتی و خصوصی)، حدود ده کانال تلویزیونی خارجی (نظیر CNN، RTL، BBC Prime، Euronews) از طریق ایستگاه‌های رله زمینی برای ساکنان مناطق مختلف (به‌ویژه شهرهای بزرگ استانبول و آنکارا) یا مشترکان شبکه‌های کابلی پخش می‌شود. در این کشور، محدودیتی برای استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره‌ای وجود ندارد.

در سریلانکا یک شرکت خصوصی برنامه‌های شبکه‌های وابسته به BBC (به ویژه برنامه‌های خبری و ورزشی) را به صورت ۲۴ ساعته رله و پخش می‌کند و، در حال حاضر،

۱. در این بخش، از منابع بسیار متعددی استفاده شده و، از این رو، برای هر مورد منبع خاصی ارائه نشده است. اطلاعات مربوط به مالزی، اندونزی، تایلند و سنگاپور با استفاده از گزارش‌های سفر هیأت فرهنگی کشور به کشورهای فوق (۱۳۸۱/۲/۲۱ الی ۱۳۸۱/۳/۳) ارائه شده است.



حدود ۸۰ درصد کل کشور را تحت پوشش قرار داده است. همچنین، سریلانکا تحت پوشش دو شبکه ETV-1 و ETV-2 قرار دارد که اولی به اخبار و گزارش‌های خبری و دومی به برنامه‌های ورزشی و نیز فیلم‌ها و سریال‌های امریکایی اختصاص دارد. در این شبکه‌ها، هیچ‌گونه سانسوری اعمال نمی‌شود. اما خود شبکه‌ها فرهنگ مخاطبان را مورد توجه قرار می‌دهند.

چین از جمله کشورهایی است که تجهیزات دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای را غیر مجاز اعلام کرده، اما با توجه به گستردگی جغرافیایی و کثرت جمعیت اقدام به راه‌اندازی سیستم‌های ماهواره‌ای برای پخش مستقیم کانال‌های خود نموده است. در این کشور، از بشقاب‌ها و رسیورهای خاص برای دریافت کانال‌های ملی استفاده می‌شود و سایر انواع دستگاه‌ها ممنوع اند.

در تایلند، حدود ده کانال تلویزیونی داخلی وجود دارد که حجم زیادی از برنامه‌های خود را به برنامه‌های خارجی اختصاص می‌دهند و آن را به صورت دوبله (و همراه با زبان اصلی با موج FM رادیویی یا دو زبانه تلویزیونی) پخش می‌کنند. افزون بر این، شرکت UBC به صورت یک شرکت سهامی متولی تلویزیون کابلی و ماهواره‌ای است که ده‌ها کانال بین‌المللی فیلم، ورزشی، سرگرمی و خبری را با استفاده از سیستم توزیع کابلی و ماهواره‌ای پخش می‌کند. سیستم کابلی در بانکوک و برخی از شهرها و سیستم ماهواره‌ای در سراسر کشور در دسترس قرار دارد. ۸۶ شرکت مجاز نیز به صورت محدود محلی خدمات تلویزیونی کابلی را ارائه می‌کنند که متوسط مشترکان هر یک از این شرکت‌ها ۱۵۰۰ مشترک تخمین زده می‌شود. در تمام کانال‌های تلویزیونی شرکت UBC، آگهی‌های تجاری و مطالب غیراخلاقی یا مغایر با موازین امنیت ملی و نظم اجتماعی سانسور می‌شوند. در کشور اندونزی چند شرکت خصوصی تلویزیونی برنامه‌های خود را به صورت ملی یا محلی به مشترکین و دریافت‌کنندگان خود ارائه می‌کنند. برخی از این شبکه‌ها از سیستم پخش کابلی استفاده می‌کنند و خدمات اینترنتی را نیز در دسترس مشترکان خود قرار می‌دهند. در این کشور، استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای کاملاً آزاد است و هیچ‌گونه

محدودیت قانونی وجود ندارد، به طوری که حتی برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی، مانند شبکه استار - که در هنگ کنگ مستقر است - برای این کشور برنامه ویژه پخش می‌کند. در حال حاضر وضعیت کلی رسانه‌های جمعی در اندونزی مورد رضایت دولت و احزاب نیست و اقدامات قانونی برای اجرای برنامه‌های اصلاحات در جریان است.

کشور سنگاپور، با وجود قرار داشتن در چهار راه تجاری و ارتباطاتی جنوب شرقی آسیا، قوانین ویژه‌ای برای محدودیت اطلاعات و فعالیت رسانه‌ها دارد. در این کشور، نصب تجهیزات ماهواره‌ای توسط افراد و حتی ادارات (غیر از شرکت‌ها، سفارتخانه‌های خارجی، سازمان‌های رسانه‌ها و وزارتخانه‌های دولتی) ممنوع است. اما تلویزیون کابلی رواج بسیاری دارد و، دست کم، ۱۸ شرکت به توزیع کابلی ده‌ها کانال تلویزیونی به مشترکان خود می‌پردازند. محتوای این کانال‌ها با توجه به ارزش‌های فرهنگی جامعه سنگاپور کنترل می‌شود و محدودیت‌های خاصی در مورد اهانت به مذاهب و ملت‌ها و پخش سکس، خشونت، و مواد مخدر اعمال می‌گردد.

قطر در سال ۱۹۹۳ به سازمان ارتباطات راه دور خود اجازه داد تا یک شرکت تلویزیونی کابلی بی‌سیم<sup>۱</sup> را راه‌اندازی کند. این شرکت که امتیاز انحصاری خدمات تلویزیون کابلی تا سال ۲۰۱۳ را در اختیار دارد، در حال حاضر، ده کانال تلویزیونی ملی و خارجی (عربی، امریکایی، اروپایی و آسیایی) را در اختیار مشترکان خود قرار می‌دهند. برخی از این کانال‌ها عبارت‌اند از: بی‌بی‌سی ورد<sup>۲</sup> دیسکاوری<sup>۳</sup> دی تی وی<sup>۴</sup> پی تی وی<sup>۵</sup> سی ان ان<sup>۶</sup> ای اس سی ام<sup>۷</sup> بی سی<sup>۸</sup>. قطر اخیراً اقدام به رفع ممنوعیت خرید و نصب تجهیزات دریافت ماهواره‌ای بر شهروندان خود کرده و این اقدام از تعداد مشترکان و درآمد شرکت تلویزیونی کابلی بی‌سیم کاسته است.

1. QVC
2. BBC World
3. Discovery
4. DTV
5. PTV2
6. CNN
7. ESC
8. MBC

مالزی با راه‌اندازی شرکت ماهواره‌ای آسترو<sup>۱</sup>، در سال ۱۹۹۵، یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های ماهواره‌ای ملی در قاره آسیا را به وجود آورده است. این شرکت با بودجه‌ای حدود ۷۰۰ میلیون دلار توسط دولت تأسیس شده است و اداره می‌شود. در حال حاضر، شبکه ماهواره‌ای آسترو ۳۸ کانال تلویزیونی و ۱۶ کانال رادیویی را از طریق ماهواره‌های خود برای کل کشور و کشورهای منطقه (مانند اندونزی، سنگاپور و تایلند) پخش می‌کند. استفاده از سیستم دیجیتالی و استفاده از ماهواره‌هایی با قدرت پخش زیاد موجب شده است تا دریافت این کانال‌ها با استفاده از یک بشقاب کوچک ۶۰ سانتیمتری عملی شود. همچنین، برای حفظ منافع مالی رسیورهای خاصی طراحی شده‌اند. این شرکت، در حال حاضر، ۸۰۰,۰۰۰ مشترک داخلی (و نیز ۱۰,۰۰۰ مشترک در کشور بروئی) دارد و برنامه‌ها را از تعداد بسیار زیادی از شبکه‌های جهانی تهیه و پس از نظارت و کنترل دقیق و مستمر پخش می‌کند. در این کانال‌ها، آگهی‌های تبلیغاتی خارجی، صحنه‌های خشونت بار و مستهجن، تبلیغ مسیحیت و موارد مشابه دیگر ممنوع‌اند. برای کنترل محتوایی برنامه‌ها، از سه روش سانسور متفاوت استفاده می‌شود: در مواردی برنامه از ماه‌ها قبل مورد بازبینی قرار می‌گیرد و به شرکت اصلی اجازه پخش داده می‌شود. برخی از کانال‌های خبری، ورزشی و سرگرمی (به ویژه کانال کارتون برای کودکان) به صورت تأخیری و با سانسور همزمان و برخی از کانال‌ها نیز با تأخیر نیم ساعته تا یک ساعته پخش می‌شوند. این تأخیر، در مواردی، می‌تواند تا چند ساعت انجام گیرد (مانند روش پخش شبکه الجزیره). در هر حال، هر برنامه که نیازمند سانسور بیش از ۵ دقیقه باشد به طور کامل حذف و برنامه دیگری جایگزین آن می‌شود. در کشور مالزی، تجهیزات ماهواره‌ای غیر از شرکت آسترو ممنوع‌اند و، طبق قانون، متخلفان به جریمه نقدی تا ۲۵,۰۰۰ دلار محکوم می‌شوند.

بررسی وضعیت ماهواره پخش مستقیم در این کشورها نشان می‌دهد که بهره‌وری از برنامه‌های مطلوب و مورد قبول ماهواره‌ای جزء بسیار مهمی از سیاست ماهواره‌ای تمام کشورها است و، در واقع، ممنوعیت مطلق یا آزادسازی بدون محدودیت و بدون تمهید

---

1. ASTRO

روش‌های مناسب برای استفاده شهروندان را نمی‌توان یک سیاست کامل و موفق دانست. یک عنصر و مؤلفه بسیار مهم در سیاست ماهواره‌ای گرایش و خواست مردم برای دسترسی به برنامه‌های (غالباً مطلوب و مثبت) ماهواره‌ای است و عدم توجه به این خواست عمومی سیاست ممنوعیت مطلق را غیرقابل اجرا خواهد کرد. از سوی دیگر، سیاست آزادسازی مطلق و بدون محدودیت نیز شهروندان مشتاق برنامه‌های مطلوب و مثبت را در دنیای رسانه‌ای انباشته از پیام‌ها و محتواهای نامطلوب و زیانبار رها خواهد ساخت. پاسخگویی به خواسته‌های رسانه‌ای مردم اصلی‌ترین محور سیاست‌گذاری رسانه‌ای است و این ضرورت ملی، با راه‌اندازی یک سیستم تحت کنترل و تابع سیاست‌ها و ملاحظات فرهنگی و سیاسی ملی، تحقق می‌یابد.

این نوع بهره‌وری می‌تواند شامل طیف وسیعی از برنامه‌های عملیاتی مربوط به ویژگی‌های محتوا و سازمان باشد. از نظر نوع محتوا، می‌توان تمام گونه‌های برنامه‌های مورد نظر را در چنین روشی در دسترس مردم قرارداد: برنامه‌های خبری و گزارشی، فیلم و سریال، برنامه‌های مستند، علمی و آموزشی، مسابقه و غیره. محتوای دریافت شده از منابع خارجی می‌تواند، به زبان اصلی یا با زیرنویس یا به صورت دوبله شده یا حتی (با استفاده از چند باند صوتی) به صورتی چندزبانه همزمان پخش شود. در این روش، امکان اعمال کنترل محتوایی (سانسور) به صورت قبل از پخش یا همزمان (با تأخیر زمانی چند ثانیه‌ای تا چند ساعتی) بر تمام انواع محتواها، براساس اصول و سیاست‌های کشور مقصد، به طور کامل وجود دارد. سازمان متولی راه‌اندازی و بهره‌وری از چنین سیستمی را نیز می‌توان به اشکال مختلف سازماندهی کرد. از نظر نوع مالکیت، سازمان مورد نظر می‌تواند به صورت دولتی، عمومی یا خصوصی (شرکت سهامی عام یا خاص) ایجاد شود. بدیهی است که هر چند امکان کنترل سازمان و عملکرد آن در هر الگو متفاوت خواهد بود اما با تعیین معیارهای مشخص و لازم‌الاجرا نظارت بر خصوصی‌ترین شکل مالکیت سازمانی نیز میسر خواهد گردید. از نظر تعداد نیز می‌توان یک یا چندین ساختار را به وجود آورد تا امکان برخورداری مردم از مزایای رقابت کنترل شده (کیفیت بالاتر خدمات با هزینه کم‌تر) فراهم

شود. محل استقرار ساختارها و بخش اداری و فنی زمینی را نیز می‌توان در هر نقطه از کشور یا حتی در یک کشور خارجی انتخاب کرد. بدیهی است که این تصمیم تابع ملاحظات اقتصادی، نیروی انسانی و سیاسی عدیده‌ای خواهد بود اما، در هر حال، محدودیت خاصی از نظر محل استقرار وجود ندارد. پخش مجدد را نیز می‌توان از طریق ایستگاه‌های زمینی، کابل یا ماهواره عملی کرد.

چنان که مشاهده می‌شود، تمام اجزای یک ساختار رسانه‌ای (خواه مربوط به محتوا یا سازمان) قابل مطالعه و سیاست‌گذاری است و، با توجه به ملاحظات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی می‌توان اشکال بسیار متنوع را تصور و پیگیری کرد. کشورهای دیگر نیز، با توجه به ملاحظات خاص خود، یک یا چند الگو را انتخاب و اجرا کرده‌اند.

هر یک از کشورهای مورد بررسی، براساس ساختار جمعیتی، ویژگی‌های فرهنگی و ژئوپلیتیک ساختار سیاسی و ملاحظات مذهبی و ملی خویش، اشکال متنوعی از سیستم‌های بهره‌وری از برنامه‌های مطلوب ماهواره‌ای را ایجاد کرده‌اند. این کشورها، با انتخاب نوع محتوا، منبع تأمین محتوا، زبان پخش، سانسور محتوایی و همچنین نوع مالکیت و تکثیر سازمان‌های مربوط، برنامه‌ها را تهیه، پاکسازی و سپس با روش‌هایی مناسب و در دسترس (زمینی، کابلی یا ماهواره‌ای) در اختیار شهروندان خود قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد که تنها در چنین شرایطی می‌توان به پایداری شهروندان به قوانین جاری امیدوار بود و یا از آشفتگی اطلاعاتی، هنجاری و رفتاری مردم در محیطی فاقد قوانین محدودیت‌زا نهراسید.

با توجه به مباحث مطرح شده، گزاره‌های زیر را می‌توان به عنوان درس‌های حاصل از بررسی کشورهای آسیایی ارائه کرد:

۱. تمایل شهروندان به بهره‌وری مناسب از برنامه‌های مطلوب ماهواره عامل بسیار مهمی در سیاست‌گذاری ماهواره‌ای است.
۲. برآورده نمودن خواسته‌های شهروندان، از طریق یک سیستم ملی برای ضبط و پخش مجدد ماهواره‌ای، عملی است.

۳. اغلب کشورهای آسیایی از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی اقدام به راه‌اندازی سیستم‌های ملی بهره‌وری ماهواره‌ای کرده‌اند.
۴. هر کشور می‌تواند، براساس ملاحظات فرهنگی، سیاسی و امنیتی خود، به طراحی یک سیستم مناسب بپردازد.
۵. در طراحی سیستم ملی بهره‌وری ماهواره‌ای می‌توان و باید معیارهای مربوط به نوع محتوا، زبان پخش، روش و میزان اعمال سانسور، نوع مالکیت و روش کنترل سازمانی و ... را مشخص کرد.
۶. در کنار سیستم ملی برای بهره‌وری از برنامه‌های مطلوب ماهواره‌ای باید ممنوعیت یا آزادی دسترسی به محتوا و تجهیزات خارج از خدمات سیستم مذکور را روشن کرد.
۷. برخی از کشورها دسترسی به محتوا و تجهیزات خارج از خدمات سیستم ملی خود را ممنوع کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر از کشورها دارای سیاست آزادی هستند.

### مسئله ماهواره در ایران: گذشته، حال و آینده

از هر منظر و با هر رویکرد سیاسی و فرهنگی که به وضعیت ماهواره و تجهیزات دریافت کانال‌های تلویزیونی و رادیویی خارجی در ایران نگریسته شود، می‌توان آن را نامطلوب و بحران‌زا دانست. با وجود گذشت بیش از هشت سال از زمان تصویب «قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره» در تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ (و ابلاغ آیین‌نامه اجرایی آن در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۲۱ توسط هیأت دولت)، براساس برخی تخمین‌های غیررسمی، بیش از ۳ میلیون دستگاه رسیور و بشقاب ماهواره‌ای در کشور وجود دارند، در حالی که در طول مدت اجرای قانون مزبور تنها کم‌تر از ۷۰,۰۰۰ دستگاه کشف و ضبط شده‌اند. در حال حاضر، حدود ۱۵ میلیون ایرانی در خلوت خانه خود دسترسی کنترل نشده‌ای به برنامه‌های صدها کانال تلویزیونی پخش شده از ده‌ها کشور و شرکت خصوصی دارند. خطر بدآموزی‌های اخلاقی و رفتاری، به ویژه نسل جوان و خانواده‌ها را تهدید می‌کند و، به دلیل

ممنوعیت، والدین و تمام مردم از انتقال تجارب به یکدیگر و آموزش نحوه بهره‌وری مطلوب و کاستن از میزان خطرات و بدآموزی‌ها محروم‌اند.

شاید بسیاری از سیاست‌گذاران و فعالان سیاسی و فرهنگی علت شرایط جاری را به قانون ممنوعیت نسبت دهند و، از این منظر، تغییر قانون و رفع ممنوعیت را راه‌حل وضعیت موجود بدانند. در واقع، قانون فوق، از زمان طرح اولیه آن تا امروز، موضوع بحث و مناقشه بسیاری بوده است. موافقان این قانون بر آن بودند که برنامه‌های ماهواره‌ای عمدتاً مخرب و مبتذل بوده و عامل اصلی زدودن ارزش‌ها و معیارهای اصیل اسلامی و ملی به شمار می‌آیند. در برابر، مخالفان نیز دلایلی نظیر اجرایی نبودن قانون به دلیل پیشرفت‌های فنی و حتی امکان افزایش بهره‌وری به دلیل تجری را یادآور می‌شدند. اما بررسی مشروح مذاکرات نشان می‌دهد که هر دو گروه موافقان و مخالفان قانون ممنوعیت آن را مطلق و نقطه پایان وضعیت ماهواره نمی‌دانستند و حتی موافقان آن را اقدامی موقتی و تأخیری قلمداد می‌کردند. تا فرصت مناسب برای تقویت و آماده‌سازی دستگاه‌های فرهنگی کشور فراهم شود. مشروح مذاکرات نشان می‌دهد راهکارهای عدیده‌ای برای برخورد با پدیده پخش مستقیم ماهواره‌ای اندیشیده شده بود که باید مورد پیگیری قرار می‌گرفت. ماده ۵ قانون ممنوعیت، سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مؤسسه رسانه‌های تصویری) را مجاز به ضبط و پخش برنامه‌های غیرمغایر با ارزش‌ها و مبانی فرهنگی اسلامی و ملی دانست، و ماده ۴ تمام دستگاه‌های فرهنگی کشور را موظف به مطالعه و تبیین آثار مخرب استفاده از برنامه‌های منحرف‌کننده در جامعه ساخت. همچنین، ماده ۱۰ قانون ممنوعیت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را موظف کرد تا با همکاری وزارت پست و تلگراف و تلفن و سازمان‌های ذی‌ربط، از اهرم‌های حقوقی و بین‌المللی در جهت حراست از مرزهای فرهنگی کشور و حفظ کیان خانواده علیه برنامه‌های مخرب و مبتذل ماهواره اقدام کند.

با بررسی مشروح مذاکرات و متن مصوب قانون ممنوعیت سال ۱۳۷۳ می‌توان چنین نتیجه گرفت که شرایط نابسامان ماهواره در کشور تنها ریشه در قانون فوق ندارد و حتی نمی‌توان آن را علت اصلی شرایط جاری دانست؛ بلکه علت اصلی عدم اجرای کامل قانون

و به ویژه مواد ۴، ۵ و ۱۰ (بالاخص ماده ۵) قانون فوق است. در واقع، برخی از سیاست‌های مورد تصویب در قانون فوق به فراموشی سپرده شد و راهبرد ماهیتاً کوتاه مدت و جانبی ممنوعیت بزرگ‌نمایی و تبدیل به سیاستی ظاهراً تمام عیار شد. البته، می‌توان بخشی از علت خطای جایگزینی راهبرد به جای سیاست جامع را به متن قانون فوق منتسب کرد. این قانون، به هیچ وجه، راهکارهای نظارتی مناسبی برای اجرای مواد ۴، ۵ و ۱۰ را پیش‌بینی نکرده بود. در هر حال، از زمان تصویب قانون ممنوعیت تا کنون تقریباً همهٔ مسئولان عالی‌رتبهٔ نظام، شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و احزاب و جناح‌های سیاسی بر لزوم بهره‌وری مناسب از ماهواره و برنامه‌های مثبت آن تأکید نموده و یا عدم امکان عملی و فنی اجرای قانون ممنوعیت و جمع‌آوری دستگاه‌های دریافت را گوشزد کرده‌اند. اصول کلی فوق مورد تأیید و تأکید مردم نیز قرار دارد. شایان ذکر مجدد است که مردم مجری اصلی و نهایی قانون و سیاست ماهواره‌ای هستند و توجه جدی به خواست و نگرش آن‌ها اهمیتی افزون دارد زیرا، در صورت عدم همکاری آن‌ها، مجریان اصلی قانون به مجرمان اصلی آن تبدیل خواهند شد.

یک نظرسنجی انجام شده در سال ۱۳۷۳، در شهر تهران، نشان داد که، از نظر پاسخگویان، مهم‌ترین علت گرایش به استفاده از ماهواره ضعف امکانات تفریحی و سرگرمی در جامعه و به خصوص ناتوانی برنامه‌های صدا و سیما در برآوردن نیازهای اقشار مختلف (از نظر برنامه‌های تفریحی و خبری) بوده است. پاسخگویان مهم‌ترین راه مقابله با خطرات ناشی از ماهواره را استفاده از ابزار فرهنگی دانستند: تقویت کمی و کیفی برنامه‌های صدا و سیما، بالا بردن سطح آگاهی مردم، و گسترش زیرساخت و امکانات فرهنگی در جامعه.<sup>۱</sup> نظرسنجی دیگری در همین سال نشان داد که ۳۵ درصد پاسخگویان عدم رضایت از برنامه‌های تلویزیون را عامل گرایش مردم به ماهواره دانسته بودند.<sup>۲</sup> یک نظرسنجی دیگر در سال ۱۳۷۶ نشان داد که نگرش مردم (به ویژه مردان) نسبت به استفاده از ماهواره

۱. صدا و سیما (۱۳۷۳) نظرسنجی از مردم تهران دربارهٔ ماهواره.

۲. واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات صدا و سیما (دی ۱۳۷۳) نظرسنجی دربارهٔ ماهواره.



در حد متوسط بوده است، در حالی که بیش تر مردم نسبت به برخی خطرات ماهواره آگاهی دارند و استفاده از ماهواره در سطح جامعه و به ویژه توسط نوجوانان و جوانان را موجد بد آموزی و مخاطرات فرهنگی دیگر می‌دانند.<sup>۱</sup> نظرسنجی‌های انجام شده در شهر تهران، در سال ۱۳۸۰، نیز نتایج مشابه و ثابتی را به دست دادند.<sup>۲</sup>

نظرسنجی‌های انجام شده در فاصله سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰ نشان می‌دهند که بیش تر مردم به استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای گرایش دارند و استفاده از آن‌ها را به طور کامل یا مشروط حق خود می‌دانند. همچنین، پاسخگویان بر این باور بوده‌اند که مهم‌ترین علل گرایش به ماهواره ضعف امکانات تفریحی در جامعه و نقصان کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیونی هستند. این نگرش‌ها به ایجاد یک تقاضای چندمیلیونی برای خرید و استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای منجر گردیده است که توسط قاچاقچیان برآورده می‌شود.

به طور خلاصه، می‌توان گفت که نظریه‌های ابراز شده توسط مسئولان عالی‌رتبه نظام، نمایندگان مجلس، دستگاه‌های اجرایی، متخصصان و مردم در طول سال‌های گذشته دو اصل بنیادین و به هم پیوسته را در خود دارد: ضرورت بهره‌وری مناسب از برنامه‌های مطلوب ماهواره‌ای و مبارزه با رواج و دریافت کنترل نشده کانال‌های بعضاً مخرب ماهواره‌ای. بررسی وضعیت ماهواره در سایر کشورهای آسیایی نشان داد که دوضرورت فوق الزاماً مانع الجمع نیستند و می‌توان با تمهید روش و ساختارهای سنجیده به هر دو هدف فوق نایل شد، در حالی که ممنوعیت مطلق ضرورت نخست و آزادی بدون محدودیت ضرورت دوم را فدا می‌کند و، از این‌رو، قابل اجرا یا قابل پذیرش نیست. با راه‌اندازی یک سیستم ملی می‌توان برنامه‌ها و کانال‌های مورد قبول را در اختیار مردم قرار داد و همزمان با استفاده از روش‌های فرهنگی و تبلیغی و همچنین روش‌های بازدارنده قانونی از تمایل به بهره‌وری از برنامه‌های کنترل نشده توسط برخی از شهروندان کاست. بدیهی است که روش‌ها و ساختارهای

۱. صدا و سیما (۱۳۷۶) بررسی نگرش مردم نسبت به استفاده از ماهواره.

۲. وزارت اطلاعات (۱۳۸۰) ماهواره از نگاه مردم. همچنین در این خصوص، نک: مؤسسه ملی پژوهش افکار عمومی (۱۳۸۰) بهره‌مندی و نگرش مردم نسبت به ماهواره. خلاصه‌ای از این گزارش در روزنامه نوروز، ۱۳۸۰/۱۲/۲۰، منتشر شده است.

مطلوب برای کشور ما باید با ملاحظات مذهبی و فرهنگی و حتی اقتصادی هماهنگی داشته باشد و با مطالعه و بررسی دقیق پیش‌بینی و اجرا شود.

بررسی وضعیت ماهواره در ایران مؤید گزاره‌های ذیل است:

۱. قانون مصوب سال ۱۳۷۳ به طور کامل اجرا نشده و به ویژه از ماده ۵ آن غفلت شده است.

۲. اکثریت قابل توجهی از مردم (به ویژه در تهران) مالکیت و بهره‌وری از تجهیزات ماهواره‌ای را بسته به تصمیم شخصی و از مصادیق آزادی‌های فردی خود می‌دانند.

۳. ضعف امکانات تفریحی در جامعه و کمبودهای رسانه‌های موجود باعث تداوم و استمرار تمایل مردم به استفاده از ماهواره می‌شود.

۴. دستگاه‌های مسئول مبارزه با قاچاق و بهره‌وری از تجهیزات ماهواره‌ای موفقیت قابل ملاحظه‌ای در انجام وظایف خود نداشته‌اند.

۵. مردم، شخصیت‌های سیاسی و متخصصان به دو اصل توأمان بهره‌گیری از برنامه‌های مناسب و مبارزه با کانال‌ها و برنامه‌های مخرب اعتقاد دارند.

۶. ممنوعیت مطلق و نیز آزادسازی بدون محدودیت یکی از دو اصل فوق را نادیده می‌گیرد یا خواهد گرفت.

۷. راه‌اندازی یک سیستم ملی سنجیده و کنترل شده می‌تواند هر دو اصل فوق را تا اندازه زیادی ملحوظ و محفوظ بدارد.

۸. سیاست بهره‌وری باید به عنوان محور و ممنوعیت یا آزادی ماهواره به عنوان مکمل در سیاست ماهواره‌ای ایران در نظر گرفته شود.

### برخی ملاحظات نظری و اجرایی خاص ایران

به‌رغم موفقیت قابل توجه سایر کشورها در بهره‌وری مناسب از ماهواره، به نظر می‌رسد که وضعیت ایران دارای ویژگی‌های خاص نیز باشد و توجه کافی به این ویژگی‌ها شرط موفقیت برنامه‌های اجرایی خواهد بود:

۱. بهترین ویژگی انحصاری ایران را باید در محدودیت‌های خاص تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی دانست. به نظر می‌رسد که از این نظر، تلویزیون ایران شاید حتی در جهان اسلام نیز موقعیتی استثنایی - یا حداقل دارای موارد مشابه بسیار محدود - باشد. در حال حاضر، تولید و پخش برنامه‌های خبری، فیلم، سریال و حتی مستند و مسابقه تلویزیونی در ایران تابع مقررات و معیارهای نوشته و نانوشته بسیار محدود کننده‌ای است که شامل موازین گفتاری، رفتاری، موسیقی، موضوع، نحوه پردازش و ... می‌شود. به نظر می‌رسد که هرگونه بهره‌وری از ماهواره موجد یک تناقض گرا (پارادوکس) به صورت زیر خواهد بود. الف) در یک سو، اگر محتوای کانال‌های ماهواره‌ای مورد نظر تابع معیارهای جاری تلویزیون در ایران باشد، در آن صورت (۱) پیدا کردن کانال‌ها و برنامه‌های واجد این شرایط که از نظر کیفیت فنی و محتوایی نیز قابل قبول باشند بسیار سخت خواهد بود و، در نتیجه، پر کردن وقت پخش چندین کانال که هر کدام چند ساعت در شبانه‌روز فعالیت کنند مسأله‌ای بسیار جدی خواهد شد. چنین گزینشی، همچنین (۲) برآوردن خواسته‌ها و رجحان‌های محتوایی مخاطبان (یا دست کم بخش قابل توجهی از آنها) را غیرممکن خواهد کرد. در چنین شرایطی، تنها تکرر عددی برنامه‌ها به وجود خواهد آمد و تجربه تکرر کانال‌های تلویزیونی در سال‌های اخیر مؤید آن است که عدم رضایت کامل مردم از برنامه‌های تلویزیونی بیش‌تر به نوع محتوا مربوط می‌شود تا به تعداد صرف کانال‌ها. در نتیجه، می‌توان پیش‌بینی کرد که بخش‌هایی از مردم همچنان به بهره‌گیری از کانال‌های غیرمجاز و مخرب ادامه دهند.

ب) در صورت تعیین معیارهای متفاوت مسامحه‌گرانه‌تر در گزینش محتوا برای کانال‌های مورد نظر باز هم حداقل دو مشکل عمده رخ خواهد. (۱) کانال‌های تلویزیونی

ملی - که، به عنوان رسانه ملی، وظیفه تولید و پخش محتوای داخلی و هدایت فرهنگی و کمک به تقویت هویت ملی را به عهده دارد- در رقابت با محتوای عمدتاً خارجی و جذاب تر به رسانه درجه دوم تبدیل خواهد شد و وضعیت جاری در بین برخی از خانواده‌ها (که ماهواره رسانه اصلی آن‌ها است) تداوم خواهد یافت. همچنین انتخاب معیارهای مسامحه‌گرانه تر برای کانال‌های ماهواره‌ای، (۲) باعث ایجاد تردید در مشروعیت سیاست‌های محتوایی سازمان صدا و سیما در بین مردم خواهد شد و، در نتیجه، با افزایش بی‌اعتمادی به مشروعیت فرهنگی آن، بی‌اعتنایی به برنامه‌های فرهنگی (مذهبی و ملی) اجرا شده توسط صدا و سیما ایجاد خواهد شد.

به نظر می‌رسد که تنها راه‌برون رفت از وضعیت متناقض نمایانه (پارادوکسیال) فوق روشن شدن و تدوین همزمان معیارهای تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی در کانال‌های موجود زمینی و کانال‌های ماهواره‌ای خواهد بود. این راه‌حل، به طور حتم، مستلزم بازاندیشی در موازین، اصول و فرهنگ تصویری و تلویزیونی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود تا امکان اعمال سلیقه شخصی گردانندگان از بین رفته و مجموعه‌ای از معیارها و موازین در فرهنگ تصویری جمهوری اسلامی متجلی شود.

۲. نوع مالکیت، وابستگی سازمانی و مدیریت سازمان متولی کانال‌های ماهواره‌ای نیز مستلزم روشن شدن چند سیاست بنیادی تر است. در صورت تلقی چنین سازمانی به عنوان یکی از مصادیق پخش رادیویی و تلویزیونی، براساس نوع برداشت و تفسیر موجود از مفاد قانون اساسی تشکیلات فوق، باید در اختیار سازمان صدا و سیما قرار گیرد و، در این صورت، سازمان مذکور امکان ایجاد هر گونه رقابت (برای جذب آگهی و جلب توجه و اعتماد بینندگان) را از بین خواهد برد و سازمان و کانال‌های ماهواره‌ای را به مثابه پشتیبان و یدکی سیاست‌های خود هدایت خواهد کرد. در صورت واگذاری این برنامه به یک یا چند دستگاه دولتی یا خصوصی نیز دسترسی به دانش فنی و نیروی متخصص یکی از مشکلات اصلی خواهد شد. این ملاحظه با توجه به انحصاری بودن تجربه مدیریت بخشی رادیویی و

تلویزیونی و فقدان تجربه کافی بخش خصوصی، با احتمال بسیار زیاد و دست کم در کوتاه مدت به بروز خطاهای فنی و محتوایی و احیاناً ایجاد تنش‌های فرهنگی منجر خواهد شد.  
 ۳. ملاحظه دیگر که برای نیل به توفیق قابل قبول در ساماندهی امور فرهنگی کشور شایان توجه جدی است، به نگرش مدیریت کلان کشور به مسأله فوق مرتبط می‌شود. بهره‌وری از ماهواره نباید یک سیاست کامل تلقی گردد بلکه باید سیاست‌های دیگر نیز همزمان با آن پیگیری شود تا مجموعه اقدامات و برنامه‌ها به سلامت فرهنگی و رسانه‌ای جامعه کمک کند. در این جا، فقط دو محور سیاست‌گذاری دیگر ذکر می‌شود تا اهمیت این ملاحظه روشن تر شود.

الف) توسعه و گسترش فضاهای تفریحی و فرهنگی (مانند فرهنگسرا، سینما، تئاتر، پارک‌های تفریحی، مراکز بازی و سرگرمی، کتابخانه و نظایر آن‌ها) باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. راه‌اندازی کانال‌های جذاب ماهواره‌ای در دراز مدت «تصویری» تر شدن فرهنگ و شیوه تفریح، گذران اوقات فراغت و زندگی مردم و به ویژه نوجوانان و جوانان را به دنبال خواهد داشت؛ یعنی تفریح و زندگی مردم به نشستن در برابر صحنه تلویزیون وابسته تر خواهد شد و این، به نوبه خود، نسلی انفعالی، فردگرا و انزوا طلب را خواهد آفرید. ضرورت توجه به نقش و اهمیت روحیه تلاش و فعالیت، ورزش، مطالعه و تفریحات تعاملی و غیر خانگی تنها با توسعه فضاهای مربوطه برآورده خواهد شد.

ب) یک سیاست رسانه‌ای کامل در دوران جدید بدون توجه شایسته به نقش و اهمیت سواد رسانه‌ای مردم و تمهید روش‌های مناسب برای افزایش آگاهی مردم - به ویژه برای کودکان، نوجوانان و جوانان - نسبت به جایگاه رسانه‌ها و ساز و کارهای اثرگذاری آن‌ها میسر نیست. تهیه و بهره‌گیری از کتاب‌های درسی و برنامه‌های صوتی و تصویری آموزشی در مدارس، محله‌ها و نیز از طریق رسانه‌های جمعی را باید به عنوان یک وظیفه و حتی یک نهضت اجتماعی پیگیری کرد تا افراد اصول بهره‌وری مناسب خود و سایرین از رسانه‌ها را بیاموزند. آموزش والدین نیز باید مورد عنایت باشد تا آن‌ها بتوانند به عنوان نزدیک‌ترین

معلم و مربی، فرزندان این آب و خاک را به عنوان نسلی فعال، اجتماعی و پرتلاش تربیت کنند.

۴. وضعیت کنونی بخش صنعت و خدمات جانبی مربوط در ایران می‌تواند موجد یک خطر جدی برای فعالیت شبکه مورد نظر باشد. فقدان تشکیلات، اصول و موازین حرفه‌ای، غلبه فعالیت‌های غیرقانونی و وجود ده‌ها و حتی صدها هزار واحد خدماتی غیرقابل کنترل می‌تواند تمام برنامه‌ریزی‌ها و عملیات متمرکز را خنثی کند. تولید غیرقانونی رسیورهای خاص یا تولید و تکثیر کارت‌های احتمالی باعث وارد شدن خسران مالی جدی به عملیات سازمان مورد نظر خواهد شد. تجربه صنایع مشابه (لوح فشرده، کاست‌های صوتی و فیلم ویدیویی) نشان می‌دهد که این عامل بسیار اثرگذار است و معمولاً در جهت تخریب عمل می‌کند.

چنین به نظر می‌رسد که طراحی و اجرای برنامه‌هایی برای ساماندهی به وضعیت بخش خدمات فنی مربوط بسیار ضروری است. سازماندهی واحدهای خدماتی در قالب اتحادیه صنفی می‌تواند امکان نظارت درونی را افزایش دهد. همچنین، طراحی سیستم ملی بهره‌وری ماهواره‌ای - به ویژه اگر به طراحی و ساخت رسیورهای خاص یا کارت مخصوص متکی شود - باید از روش‌های بازدارنده قانونی و مجازات استفاده کند تا از تولید و تکثیر غیرقانونی تجهیزات اختصاصی جلوگیری شود.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قانون ممنوعیت مصوب سال ۱۳۷۳ در مبارزه با رواج محتواهای مخرب ماهواره‌ای توفیق غیرقابل مناقشه‌ای ندارد و، با تسهیل دسترسی مردم به ماهواره بعد از رواج فناوری‌های پیشرفته‌تر، ناموفق‌تر خواهد بود. مردم و متخصصان، همراه با بیش‌تر شخصیت‌های سیاسی، بر ضرورت بازاندیشی در سیاست ماهواره‌ای کشور و تغییر محور ثقل قوانین مربوط تأکید دارند. علت عدم توفیق سیاست ماهواره‌ای ایران نادیده گرفتن خواست و تمایل مردم به بهره‌وری از برنامه‌های مطلوب است و، از این رو، تغییر سیاستی باید به سوی تمهید

روش‌های مناسب بهره‌وری صورت گیرد. تجربه کشورهای آسیایی نشان می‌دهد که با ایجاد یک یا چند سیستم ملی می‌توان الف) برنامه‌های مورد قبول ماهواره‌ای را در دسترس شهروندان علاقه‌مند قرار داد و، از این طریق، از سوق یافتن خواسته‌های آن‌ها به بازار قاچاق جلوگیری کرد و همچنین ب) جلوی ورود پیام‌ها و محتوای مخرب و نامطلوب به حریم خانواده‌ها و خودآگاه و ناخودآگاه افراد را مسدود کرد. ممنوعیت، در کنار امکان بهره‌وری، قابلیت اجرایی بیش‌تری خواهد داشت.

### منابع و مأخذ

۱. کاستلز م. عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ ج ۱: ظهور جامعه شبکه‌ای؛ ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
۲. کاستلز م؛ عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ ج ۲: قدرت هویت؛ ترجمه حسن چاووشیان، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
۳. کاستلز م؛ عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ ج ۳: پایان هزاره؛ ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
۴. مک کوایل، د؛ مخاطب‌شناسی؛ ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۰.
۵. محسنیان راد، مهدی؛ «آنتن‌های ماهواره‌ای در آسیا»؛ مجلس و پژوهش، ش ۱۱، ۱۳۷۳.
۶. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نظرسنجی از مردم تهران درباره ماهواره؛ تهران: واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات، ۱۳۷۳.
۷. واحد سنجش افکار - مرکز تحقیقات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، نظرسنجی درباره ماهواره؛ تهران: واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات، دی ۱۳۷۳.
۸. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران؛ بررسی نگرش مردم نسبت به استفاده از ماهواره؛ مجری: سیروس فخرایی، تهران: واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات، ۱۳۷۶.

9. Barber, B.R; "Three scenarios for the future of technology and strong democracy"; *Political Science Quarterly*, 113(4), 1998, 573-590.

10. Collins, R; *Broadcasting and Audio - Visual policy in the European single Market*; London: John Libbey, 1994.

11. Cuilenberg, J.V & Slaa,P; "From Media policy Towards a National Communications policy: Broadening the Scope"; *European Journal of Communication* 8 (1), 1993, 149-176.
12. Dyson, E. ; *Release 2.1: A Design for living in the digital age* ; New York: Broadway books, 1997.
13. Humphreys, P.J; *Mass Media policy in western Europe* ; Manchester UK: Manchester University Press, 1996.
14. Johnson-Freese, J; "Mixed Prospects for Satellite Communications in the Asia-Pacific Region"; *Pacific Telecommunications Review* , 22(1), 2001, 226.
15. Karhigesu, R; "*Broadcasting deregulation in Asian nations* "; *Media Culture, & Society*, 16(1), 1994, 73-90.
16. Man Chan, J; "National Responses and Accessibility to STAR TV in Asia"; *Journal of communication* 44(3), 1994, 112-131.
17. McQuail, D; *Mass Communication Theory* ; 3<sup>rd</sup> ed, London: sage, 1994.
18. Negroponte, N; *Being Digital* ; New York: Knopf, 1995.
19. Nickelson, R; "Satellite Systems for the Next Decade"; *Pacific Telecommunications Review*, 22(1), 2001, 39-48.
20. Pristua, R.H; Policy Research; in Roger Wimmer & R.J. Domick (eds). *Mass Media Research, Belmont*, Calif: Wadsworth Publishing, 1993.
21. Rheingold, H; *The Virtual Community: Homesteading on the Electronic Frontier* ; Reading, Mass: Addison-Wesley, 1993.
22. Siune, K. & McQuail, D. ; *Media policy in transition*; in Denis McQu & K Siune (eds) *New Media Politics: Comparative Perspectives in estern Europe*, London: Sage, 1986.
23. Slack, E; A Brief History of Satellite Communications, *Pacific Telecommunications Review*, 22(1), 2001, 7-21.
24. UNESCO; *World Communications Report: The Media and challenges the new technologies* ; Paris: UNESCO, 1997.



25. UNESCO; *World Communication & Information Report* ; Paris: UNESCO,1999.

26. Wilhelm, A.G; *Democracy in the Digital Age: Challenges to political life in cyberspace* ; New York: Routledge, 2000.

27. Williams,F; *Technology and communication Behavior* ; Belmont, Wadsworth, 1987.

